



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



## اشرف غنی:

## دست فاسدان از پروژه‌های بزرگ قطع می‌شود



صفحه ۶

## روغتیا وزارت:

د ۲۰۱۷م کال تر پایه افغانستان کې د پولیو ناروغي ختموو

صفحه ۶



ترامپ به حکومت وحدت ملی افغانستان بی‌میل است

صفحه ۳



کمیسیون انتخابات و لغزش در نخستین گام اصلاحی

صفحه ۲

## نگاهی به روند پروژه حفظ و مراقبت (MCG)

سطح بیکاری و اوضاع امنیتی در ولایات کشور، مورد د توجه قرار می‌گیرد. این پروژه در جریان تطبیق عملی خود به طور فوق العاده بی مورد توجه روستاییان بی بضاعت و آنانیکه از بیکاری رنج می‌برند، قرار گرفته و آنان خواهشمند دوام پروژه حفظ و مراقبت در قریه های شان هستند. وزارت احیا و انکشاف دهات با تلاش فراوان تا اکنون توانسته است که پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی را در بیشتر ولایات کشور عملی نموده و نتایج درخشانی از آن بدست آورد. این وزارت با طرح و تنظیم پلان های مدیریت خویش، روزتا روز، مراحل عملی پروژه حفظ و مراقبت را می پیماید و با این تلاش، برای تعداد کثیری از هموطنان روستایی ما زمینه های دسترسی به کار های کوتاه مدت و دراز مدت را ایجاد کرده است.

بنا بر معلوماتی که جانب منابع موثق برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات ارائه گردیده است، تاکنون در مرحله این پروژه در روستا های کشور تطبیق گردیده و اینک در جریان عملی نمودن مرحله سوم خود قرار دارد. پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، از بدو تطبیق خود تا اکنون به طور مجموعی احیا و باز سازی تعداد (۱۲۶۱۵) پروژه انکشافی را مورد تطبیق قرار داده است که عمدتاً (۳۷۷۶۷۴) روز کاری برای کارگران ماهر و (۱۲۳۸۶۹۲۱) روز کاری برای کارگران غیر ماهر ایجاد شده است.

ناگفته نماند که از آغاز تطبیق پروژه حفظ و مراقبت (بپ) تا اکنون (۱۱۱۳۱) شورای انکشافی قریه تحت پوشش قرار گرفته است و مبلغ (۵۶۶۴۵۶۹۷۴۹) افغانی هزینه مجموعی آن میباشد. در جریان تطبیق پروژه حفظ و مراقبت، بیشتر از همه پروژه های انرژی برق، کانال های آبیاری زراعتی، معارف، صحت



حفظ الصحه، آب آشامیدنی صحی و ترانسپورت مورد توجه قرار گرفته است. همچنان، حدود (۳۸٪) پروژه ها در سراسر افغانستان زیر پوشش آمده و این فیصدی مربوط می شود به تناسب پروژه های تکمیل شده (تطبیق شده) بر مجموعه پروژه های تمویل شده توسط برنامه حفظ و مراقبت که شامل (۶۱۲۹) پروژه در حال جریان (۴۷۶۰) پروژه تکمیل شده و (۱۷۲۶) پروژه تأیید شده میباشد.

برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، سال قبل بوسیله جلالتمآب محمد اشرف غنی رییس جمهوری اسلامی افغانستان، اعلام گردید. از طریق این برنامه سعی و تلاش صورت گرفت که در سراسر کشور، به منظور کاهش سطح بیکاری و رشد اقتصادی مردم، از تمامی امکانات موجود استفاده گردد.

برای تحقق این آرمان، هر وزارتخانه جمهوری اسلامی افغانستان کمرهمت بسته و به نوبه خود از طریق ارگان و اداره خویش، تصمیم گرفتند آن چنان پروژه هایی را در عمل تطبیق نمایند تا اگر معضله بیکاری در سطح تمام ولایات کشور به گونه بنیادی ناپود نگردهد، لاقابل کاهش بیاید.

در این میان وزارت احیا و انکشاف دهات نسبت به سایر ارگانهای دولتی در راستای تحقق برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، حیثیت پیشاهنگ را داشته زیرا این وزارت در زیر چتر برنامه مذکور، با تطبیق پروژه بزرگ حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی، به تحفظ و بازسازی سرک ها، کانالهای آب، شبکه های آبرسانی و همچنین در زمینه ایجاد کار و اشتغال برای مردم روستا های کشور، اقدام نموده است. باید یاد آور شد که پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی در سه مرحله مختلف از طریق شوراهای انکشافی قریه برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، عملی میگردد. رییس جمهور کشور، حین اعلام برنامه ملی ایجاد کار برای صلح گفت:

« تشدید جنگ و گاهش کمکهای خارجی روی اقتصاد افغانستان و زمینه کار تأثیر منفی گذاشته است و عمدتاً این تأثیر بر آن عده هموطنان ما بیشتر است که کار و اشتغال ندارند و روزانه در چراهی ها منتظر می مانند که کسی پیدا شود و آنها را برای کار ببرد تا لقمه نانی را برای خانواده هایشان پیدا کنند. »

در پروژه حفظ و مراقبت تلاش صورت میگیرد تا نهاد ها و پروژه هایی که قبلاً در راستای انکشاف روستا های کشور عملی گردیده و با گذشت بیشتر از یک دهه، به ترمیم و مراقبت نیاز دارند، دوباره ترمیم شده و فعال نگهداشته شوند. همچنان در زمینه رشد زراعت، راه سازی و سایر نیازمندی های بنیادی روستاییان نیز از طریق این پروژه تلاش هایی صورت خواهد گرفت. ناگفته نباید گذاشت که پروژه حفظ و مراقبت در سه مرحله با در نظر داشت وضعیت آب و هوا



احمد عمران

# امریکا در برابر مسلمانان؟

## سخن ماندگار کمیسیون انتخابات و لغزش در نخستین گام اصلاحی

ریاست اجرایی و ریاست جمهوری هر سه نامزد ریاست دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات را واجد صلاحیت برای احراز این پست ندانسته و خواهان ارسال فهرستی کوتاه از نامزدان تازه شده‌اند.

اعضای جدید کمیسیون مستقل انتخابات، ده روز پیش امام محمد وریماچ عضو پیشین کمیسیون رسانه‌های کمیسیون انتخابات، احمدالله ارچی وال رئیس آگاهی عامه این کمیسیون و نیز پوپل حبیبی را به حیث نامزدان ریاست دبیرخانه این کمیسیون به حکومت پیشنهاد کردند. اما اکنون با رد این افراد، کمیسیون مستقل انتخابات موظف است نامزدان دیگری را به رهبران حکومت معرفی کند. بر بنیاد گزارش‌ها، قرار است آزمون نامزدان تازه ریاست دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات از سوی رئیس جمهور و رییس اجرایی برگزار شود. در خصوص این که چرا سه نامزد قبلی فاقد صلاحیت شناخته شدند، ریاست جمهوری چیزی نگفته است؛ اما سخنگوی ریاست اجرایی روز پنجشنبه با وضاحت کامل به رسانه‌ها گفته است که این ریاست با دوباره گماشته شدن کارمندان پیشین کمیسیون انتخابات، مخالف است و باید شخصیت‌های نیک‌نامی که با مسوولین گذشته رابطه ندارند و برای مردم افغانستان قابل اعتماد هستند، در ریاست دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات گماشته شوند.

مسئله این اظهارنظر و نیز درک و دریافت ما از تلاش‌ها برای مهندسی انتخابات‌های پیش رو می‌رساند که نامزدان معرفی شده هر کدام به نحوی در تقلبات گذشته سهم و نقش داشته‌اند و معرفی چنین افراد آزموده شده و ناکام توسط کمیسیون مستقل انتخابات، بیان می‌دارد که این کمیسیون در نخستین قدم خود به سوی اصلاحات و جبران خطاهای گذشته، ناکام مانده و نتوانسته با شفافیت و صداقت کامل، کار اصلاحات در انتخابات را پی بگیرد. چنان‌که رییس برنامه‌های بنیاد انتخابات آزاد و عدالته افغانستان نیز در این باره گفته است: "کارهای ناشفاف کمیسیون انتخابات فرصت را مساعد ساخت تا حکومت وحدت ملی در کارشان مداخله کند و یکی از مداخلات این است که سران حکومت نامزدان معرفی شده آن‌ها را نپذیرفتند."

این‌ها همه درحالی‌ست که ما انتخابات شورای ملی و شوراهای ولسوالی‌ها را در پیش رو داریم و همچنین تا کمتر از سه سال دیگر، باید انتخابات پُر از مخاطره ریاست جمهوری را برگزار کنیم. مسلماً اجرای شایسته و بایسته این انتخابات‌ها، همه در گرو استقلال، صداقت و مسوولیت‌شناسی اعضای کمیسیون انتخابات است. این عده موظف اند همه تعیینات مهم و عادی در سطح کمیسیون انتخابات را فارغ از اعمال نفوذها و علایق و سلاقی حکومتی - به‌ویژه اعمال نفوذ ریاست جمهوری - روی دست بگیرد و اشخاص جدیدی که دامن‌شان با انتخابات پُر تقلب گذشته تصادم نکرده را به حیث مدیران باصلاحیت کمیسیون معرفی کنند.

یقیناً در انتخابات سرشار از خدعه و خیانت ریاست جمهوری ۱۳۹۳، هیچ مدیری نتوانسته از تر شدن دامن خویش جلوگیری کند و خویشتر را برائت دهد. این ناپاک و آلوده‌گی، سهواً یا عمدتاً در دریای تقلبات گوسفندی انتخابات گذشته رخ داده؛ کسانی مانند ضیاءالحق امرخیل رییس پیشین دبیرخانه کمیسیون، عمدتاً و آگاهانه کوهی از آرای تقلبی را نقل و انتقال دادند و کسانی هم به عنوان مأموران زیردست، سهواً و ندانسته با روند تقلب همراه و همسفر شدند. از این رو، مصلحت ایجاب می‌کند که هیچ مدیری از مدیران انتخابات تقلب‌بار گذشته روی کار نیایند و زمام انتخابات بعدی به دست مدیران تازه و متعهد سپرده شود؛ کسانی که نه تقلب کرده‌اند و نه نیت انجام آن را دارند.

به ریاست جمهوری و کمیسیون مستقل انتخابات تذکر داده می‌شود که انتخابات، سکوی عروج و سقوط ملت‌ها و دولت‌هاست. اگر این سکو بر صداقت و بی‌طرفی بنا گردد، ماحصلش پرواز در آسمان سعادت است؛ اما اگر بنیادش بر خیانت و هواخواهی از یک طرف گذاشته شود، ماحصلش سقوط در قعر بدبختی و شقاوت خواهد بود. اگر خدای نکرده در انتخابات‌های بعدی اتفاق نامبارک دوم رخ دهد، مهندسان تقلب به اندازه قربانیان آن خسران خواهند دید.

به ریاست اجرایی هم توصیه می‌شود که یک لحظه نیز از کارکردهای کمیسیون انتخابات و وعده‌های اصلاحاتی‌بی که به مردم داده است، غفلت نرزد و مطمئن باشد که اگر از این آزمون ناکام به‌در شود، تاریخ این نهاد را به حیث بی‌مصرف‌ترین نهاد اداری در جهان معرفی خواهد کرد.

نگاه دونالد ترامپ رییس جمهوری جدید امریکا به مسلمانان، از آغاز چندان مساعد نبود. او در دوران مبارزات انتخاباتی‌اش نشان داد که با آمدن به قصر سفید، حتماً رو در رویی‌هایی را با کشورهای اسلامی و مسلمانان رقم خواهد زد. او در تازه‌ترین اقدام خود، با امضای فرمانی، از ورود مسلمانان هفت کشور به امریکا جلوگیری کرده است. آقای ترامپ تأکید دارد که این اقدام برای امنیت امریکا اتخاذ شده و تا به حال نتایج خوبی نیز در پی داشته است.

به گفته سخنگویان کاخ سفید، سخت‌گیری در ورود شهروندان برخی کشورهای اسلامی به امریکا، به معنای آن نیست که از ورود تمام مسلمانان به امریکا جلوگیری می‌شود. اما حقیقت این است که این اقدام آقای ترامپ با واکنش‌های زیادی به‌خصوص در جامعه امریکا روبه‌رو شده است. برخی نهادهای حقوق اقلیت‌ها، با برگزاری راه‌پیمایی‌ها در شهرهای امریکا، خواهان لغو این فرمان شده‌اند. آن‌ها به این باور اند که چنین اقدامی تبعیض‌آمیز بوده و با ارزش‌های جامعه امریکا همخوانی ندارد. به گفته این تظاهرکننده‌گان، امریکا جامعه‌یی کثرت‌گرا بوده و با همین ویژه‌گی توانسته به کشوری ایده‌آل برای بسیاری از ساکنان جهان مبدل شود. این تظاهرکننده‌گان باور دارند که رویکرد آقای ترامپ می‌تواند به حیثیت جهانی امریکا صدمه بزند و از آن، کشوری تعصب‌آلود در اذهان جهانی بسازد. از سوی دیگر، این اقدام آقای ترامپ در میان مسلمانان نیز واکنش‌های منفی داشته است. به گفته آنان، ترامپ عملاً می‌خواهد خود را با جهان اسلام مقابل سازد؛ چیزی که می‌تواند تبعات بسیار خطرناکی برای این کشور در قبال داشته باشد. اما سوال این‌جاست که آیا تصمیم ترامپ مبنی بر سخت‌گیری در ورود مسلمانان برخی کشورها به امریکا، می‌تواند هدف‌های این کشور را در مبارزه با تروریسم و خشونت تحقق بخشد؟

این سوال از چند لحاظ قابل تأمل و اهمیت است که دورنمای آینده سیاست‌های امریکا را مشخص می‌کند. برخی از تحلیل‌گران باور دارند که سیاست‌های سخت‌گیرانه و غیرمترقبه ترامپ، می‌تواند در بسیج مخالفان او در حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، به سود او تمام شود. به گفته این تحلیل‌گران، این مخالفان برای این‌که وجهه امریکا آسیب نیند، مجبور می‌شوند که برای تلطیف سیاست‌های او در کنارش قرار گیرند و تلاش کنند که سیاست‌هایش را نرم‌تر سازند. به گونه مثال، آن‌ها از سخنان اخیر جورج بوش پسر یاد می‌کنند که پس از اقدام‌های سخت‌گیرانه ترامپ علیه مسلمانان، اعلام کرد که حاضر است با او همکاری کند و تجارب خود را در اختیارش بگذارد. به همین گونه، به باور این تحلیل‌گران، دموکرات‌های مخالف ترامپ نیز روزی به چنین نتیجه‌یی خواهند رسید و عملاً در کنارش خواهند ایستاد.

اما از آن طرف، طیف دیگری از تحلیل‌گران به این باور اند که سیاست‌های ترامپ سبب خواهد شد که امریکا خود به انزوا کشانده شود. به گفته این تحلیل‌گران، کشورهای اروپایی‌یی که روابط خوبی با کشورهای

اسلامی دارند، نمی‌خواهند که این روابط قربانی حمایت از سیاست‌های ترامپ شود. بارنیت روبین که از سیاستمداران معروف امریکایی به شمار می‌رود، نسبت به سیاست‌های ترامپ ابراز نگرانی کرده و گفته است مشخص نیست که او امریکا را به کجا خواهد برد؛ به ویژه حالا که وزارت دفاع امریکا نیز به دست کسی افتاده که به



قرار ندادند؟ مگر اسامه بن‌لادن رهبر شبکه القاعده، روابط بسیار نزدیک در سال‌های جنگ سرد با امریکایی‌ها نداشت؟... خوب ثمره آن کمک‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ و بی‌رویه از هر گروه و کشوری که خود را دشمن کمونیسم قلمداد می‌کرد، چنین چیزی است!

آن‌چه که از واقعیت‌های جهان ما به‌دست می‌آید این است که تروریسم را به مسلمانان و خطر کشورهای اسلامی تقلیل دادن، عملاً وارونه کردن واقعیت‌ها و ایجاد روحیه تقابل با بخشی از کشورهای است که بیشترین سود را برای کشورهای غربی به‌بار آورده‌اند. مگر می‌توان اقتصاد جهانی را بدون حضور کشورهای اسلامی، پویا و فراگیر ساخت؟

امریکا ناچار به داشتن روابط با کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی است. این پیوند از گذشته‌ها آغاز شده و بدون شک ادامه خواهد یافت. جهان فعلی، جهان زورگویی و پرخاش‌گری نیست. باید به دنبال مشترکات گشت و زمینه‌هایی را جست‌وجو نمود که بتواند امنیت جهانی را به سود همه ساکنان آن فراهم سازد.

مسئلاً اگر به ریشه‌های این پدیده نگاه واقع‌بینانه صورت گیرد، بدون شک

# ترامپ به حکومت وحدت ملی افغانستان بی‌میل است

## نگرانی صندوق بین‌المللی پول از هجوم مهاجران افغانستان



ترک خانه های شان و فرار به مناطق امن تر در این کشور می گردند، به بالاترین شمار و یک ریکارد تازه رسیده است. براساس گزارش سازمان ملل متحد، بیش از یک و نیم میلیون افغان تنها در سال گذشته به دلیل جنگ و ناآرامی در داخل کشور خودشان مهاجر شده اند.

سازمان ملل هفته گذشته برنامه ای را برای ارائه کمک های بشری به ارزش ۵۵۰ میلیون دالر راه اندازی کرد و گفت که یک سوم جمعیت افغانستان در سال جاری در جریان امسال نیاز به امدادسانی دارند که ۱۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است.

بیشتر: ۶۲۰ هزار آواره داخلی و ۹ میلیون محتاج به کمک در افغانستان پس از ۱۵ سال از آغاز کمک های میلیاردی جامعه جهانی به افغانستان، این کشور همچنان بسیار خطرناک و بی ثبات است و در حال حاضر در پایین ترین سطح فهرست شاخص توسعه انسانی قرار دارد.

شاخص توسعه انسانی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور در سه معیار اساسی: زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب.

صندوق بین المللی پول نسبت به توانایی افغانستان در رسیدگی به موج بزرگ مهاجران بازگشت کننده به کشور نگرانی کرد. هجوم عودت کنندگانی که انتظار می رود بیش از ۷۰۰ هزار مهاجر افغان در سال ۲۰۱۶ به کشورشان بازگشته اند. افغان ها بعد از سوریه در حال حاضر بزرگترین گروه پناهجویان را تشکیل می دهند. این آمار را صندوق بین المللی پول که مرکزش در واشنگتن موقعیت دارد، روز جمعه نشر کرد.

براساس گزارش این سازمان، اضافه بر دو و نیم میلیون آواره و مهاجر داخلی، بازگشت مهاجران در یک و نیم سال جمعیت این کشور را ۱۰ درصد افزایش خواهد داد.

در این گزارش از وضعیت فعلی و آینده افغانستان به شدت ابراز نگرانی شده و آمده است: «این به شدت توانایی دولت برای جذب مهاجران را، در کشوری که دهه ها درگیر جنگ بوده و فضا به خاطر بیکاری و مهاجرت های داخلی به شدت دشوار است، کمتر می سازد». در پی درگیری های همه روزه نیروهای دولتی افغانستان و طالبان در نقاط مختلف این کشور، شمار انسان هایی که مجبور به

### ناجیه نوری

شان شود، به راحتی آنان را از راه خود برمی دارند. وی افزود: ما در طول دوران گذشته چه در دوران جنگ سرد و چه پس از دوران جنگ سرد، کسانی را که برای امریکا خلا بودند و حتا خلاف منافع کشورهای کوچک مانند پاکستان بودند، بسیار به ساده گی از بین برده شدند. اما سید مسعود استاد دانشگاه کابل به این باور است که دولت فعلی افغانستان زاده تفکر اوپاما و جانکری است که ترامپ آن را در زمان مبارزات انتخاباتی خود سخت مورد انتقاد قرار داد.

او تاکید کرد: چون حکومت فعلی افغانستان به دلیل اینکه زاده افکار وزیر خارجه پیشین امریکا است، مورد تایید ترامپ قرار نگرفته است و از سوی هم دولت مردان افغانستان هم این مساله را درک کرده اند؛ بنابراین ما به زودی شاهد تغییراتی در افغانستان خواهیم بود. استاد مسعود می گوید: هر چند برنامه های ترامپ در حال حاضر انقلاب گونه است؛ اما با توجه به برنامه های ترامپ در قبال سوریه باید شاهد تغییراتی در افغانستان باشیم. به گفته این استاد دانشگاه: باآنکه این تغییرات در ساختار دولت افغانستان نخواهد بود؛ اما بدون شک ترامپ از دولت فعلی افغانستان حمایت نخواهد کرد و اپوزیسیون افغانستان هم این مساله را درک کرده و از این مساله خوش حال اند.

وی افزود: حتا دولت اوپاما هم از حمایت دولت فعلی افغانستان پشیمان بود؛ زیرا فریاد دموکراسی که در زمان کرسی آغاز شده بود، باید نهادینه می شد؛ اما همه شاهد هستیم که حکومت به طرف فردگرایی؛ دیکتاتوری و حتا شاهی روان است؛ بنابراین بدون شک ترامپ از چنین حکومتی حمایت نخواهد کرد؛ اما نباید فراموش کرد که افغانستان را رها هم نخواهد کرد. به باور استاد مسعود، اما یاد مان باشد برای امریکا ( هرکه نوکر خوب تر، بهتر) هر کسی که بلی گوی باشد، بهتر است، غنی، کرسی و یا هم خلیل زاد، هیچ تفاوت نمی کند، فقط فرمان برداری و اطاعت از امریکا مهم است.



بود، ابراز می شود. عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی به این باور که دولت جدید ایالات متحده امریکا همچنان مانند گذشته روش مصلحتی را در قبال افغانستان در پیش خواهد گرفت و متاسفانه آنچه در افغانستان مروج است را ادامه خواهد داد.

رییس مجتمع جامعه مدنی همچنان گفت: اگر امریکا به راستی در قبال مسایل افغانستان تعهد و صداقت می داشت، باید توافق نامه سیاسی را عملی می کرد و این بدان معناست که امریکا با ایجاد حکومت وحدت ملی "کولخ گذاشته و از آب گذشت".

رفیعی اضافه کرد: متاسفانه امریکا توافق نامه سیاسی حکومت وحدت ملی افغانستان را حمایت نکرد و به دلیل عدم حمایت امریکا هیچ بخشی و حتا بخش های مهم آن مانند توزیع تذکرة های برقی که برگزاری انتخابات آینده را تضمین می کرد، عملی نشد. رفیعی تاکید کرد: است سیاست کلان امریکا و شرک های بزرگش در قبال افغانستان چه در زمان جنگ سرد، چه اکنون و حتا در آینده ها نیز تغییری نخواهد کرد و امریکا در جامعه افغانستان به همان اندازه که به روشن فکران ضرورت دارد، به افراد کهنه فکر، بنیادگرا و قبیله گرا نیز ضرورت دارد.

به گفته او: قدرت های بزرگ همواره منافع خود را سنجش می کنند که چگونه از نیروهای تازه و کهنه استفاده کنند و اگر کسی یا شخصی سد راه

سیاست های کلان امریکا و شرکای بزرگش در قبال افغانستان چه در زمان جنگ سرد، چه اکنون ( دوران ترامپ) و حتا در آینده ها نیز تغییری نخواهد کرد.

شماری از نهادهای مدنی به این باور اند که به دلیل عدم حمایت امریکا از توافق نامه سیاسی که براساس آن دولت وحدت ملی شکل گرفته بود؛ هیچ بخشی و حتا بخش های مهم توافق نامه مانند توزیع تذکرة های برقی که برگزاری انتخابات آینده را تضمین می کرد، عملی نشد. اما شماری از استادان دانشگاه می گویند: دولت فعلی افغانستان زاده تفکر اوپاما و جانکری است که ترامپ آن را در زمان مبارزات انتخاباتی خود سخت مورد انتقاد قرار داد.

به گفته آنان: با توجه به برنامه های ترامپ در قبال سوریه باید شاهد تغییراتی در افغانستان باشیم؛ باآنکه این تغییرات در ساختار دولت افغانستان نخواهد بود؛ اما ترامپ از دولت فعلی افغانستان حمایت نخواهد کرد و اپوزیسیون افغانستان هم این مساله را درک کرده و از این مساله خوش حال اند.

این واکنش ها در مورد اینکه سیاست دولت جدید امریکا در برابر حکومت فعلی افغانستان که با موجی از انتقادات داخلی و خارجی به دلیل فساد گسترده اداری، فردگرایی و دیکتاتوری، تمرکز قدرت در ارگ و عدم اجرایی توافق نامه سیاسی که براساس آن حکومت وحدت ملی شکل گرفته است، چه خواهد

### مسوول روابط بین الملل شورای صلح:

## چشم به راه رییس جدید هستیم

روح الله بهزاد

روای این رابطه برای تامین صلح در افغانستان حساب می کند. اسماعیل قاسم یار، مسوول روابط بین المللی شورای عالی صلح در گفت و گو با روزنامه ماندگار می گوید: بعد از وفات آقای گیلانی در استراتژی این شورا هیچ تغییری به میان نیامده است. محمد اسماعیل قاسم یار، مسوول روابط بین المللی شورای عالی صلح، هم چنان می گوید که آنان چشم به راه معرفی نامزد این شورای از سوی رییس جمهور اند.

سیداحمد گیلانی، رییس شورای عالی صلح به تاریخ ۲ دلو ردر بیمارستانی در کابل درگذشت. بعد از درگذشت آقای گیلانی گفته های وجود داشت که پسر ارشد آقای گیلانی به کرسی ریاست شورای عالی صلح تکیه خواهد زد. از آقای گیلانی به عنوان فردی یاد می شد که رابطه نزدیکی با پاکستان داشت. او گفته بود که از دوران جنگ در برابر شوروی سابق با پاکستان رابطه داشته

مسوول روابط بین المللی شورای عالی صلح می گوید، بعد از وفات پیر سیداحمد گیلانی در استراتژی این شورا هیچ تغییری به میان نیامده است. محمد اسماعیل قاسم یار، مسوول روابط بین المللی شورای عالی صلح، هم چنان می گوید که آنان چشم به راه معرفی نامزد این شورای از سوی رییس جمهور اند.

سیداحمد گیلانی، رییس شورای عالی صلح به تاریخ ۲ دلو ردر بیمارستانی در کابل درگذشت. بعد از درگذشت آقای گیلانی گفته های وجود داشت که پسر ارشد آقای گیلانی به کرسی ریاست شورای عالی صلح تکیه خواهد زد. از آقای گیلانی به عنوان فردی یاد می شد که رابطه نزدیکی با پاکستان داشت. او گفته بود که از دوران جنگ در برابر شوروی سابق با پاکستان رابطه داشته



صلح حقیقت ندارد و ما منتظر معرفی نامزد این شورا از سوی رییس جمهور هستیم. شورای عالی صلح افغانستان در ماه میزان سال ۱۳۸۹ به هدف زمینه سازی برای گفت و گو و صلح با مخالفان مسلح دولت ایجاد شد. این شورا دارای ۶۸ عضو از جمله ۸ زن می باشد. رییس این شورا، استاد برهان الدین ربانی، رهبر

حزب جمعیت اسلامی افغانستان بود. آقای ربانی در ماه سنبله سال ۱۳۹۰ در یک حمله انتحاری به شهادت رسید. پس از او صلاح الدین ربانی پسرش سرپرست شورای عالی صلح شد و با به میان آمدن حکومت وحدت ملی، هیأت رهبری این شورا نیز چهره بدل کرد و کسانی دیگری به سمت های آن گماشته شدند.

**یادداشت: این روزها فیسبوک اثرگذارترین پدیده در جهات مثبت و منفی در حیات اجتماعی مردم افغانستان به شمار می‌آید؛ گویی که دیگر بدون آن نمی‌توان زیست و در کنار آن نیز نمی‌توان آرام گرفت. این وابسته‌گی شدید، اثرات نامطلوب خود را در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش، سیاست، خانواده و سلامت جمعی مردم به نمایش گذاشته و این نگرانی را به میان آورده که اگر نتوانیم استفاده از این پدیده دنیای مدرن را نظام‌مند بسازیم، فیسبوک و لجام‌گسیخته‌گی‌های مرتبط با آن، به تدریج شیرازه همه داشته‌های مادی و معنوی‌مان را می‌پاشند و درد و حسرت به‌جا می‌گذارد. روی این ملحوظ، روزنامه ماندگار همت به خرج داده و پیرامون این موضوع داغ، گفت‌وگویی را در یک میز مدور با آقایان نجیب‌الله منلی، بریالی فطرت و حامد علمی، تدویر نموده که محتوای آن به شرح زیر تقدیم‌تان می‌گردد.**

\*\*\*

جناب استاد منلی به نظر می‌رسد در مبارزات مدنی - سیاسی، فیسبوک نقشی بسیار برجسته یافته است؛ می‌توانیم جنبش تبسم و روشنایی را مثال بزنیم. اکثر کسانی که در این دو جنبش حضور رسانیدند، از طریق فیسبوک آگاه شده و به میدان آمدند. باور شما چیست؛ در مبارزات مدنی - سیاسی جامعه ما، فیسبوک چه تأثیرات و تغییراتی را به میان آورده است؟

فیسبوک یک وسیله ارتباط جمعی زودرس است، به‌آسانی به دسترس می‌آید و به‌زودی پیام را منتشر می‌کند. نه‌تنها در افغانستان که در تمام جهان زمانی که حادثه‌یی رخ دهد، مردم به‌جای این‌که منتظر رسانه‌هایی مانند تلویزیون و رادیو باشند و اطلاعات یک‌جانبه و یک‌سویه به‌دست آورند، به فیسبوک سر می‌زنند؛ زیرا این شبکه اطلاعات دوجانبه و چندجانبه را به نشر می‌سپارد. این ویژگی فیسبوک، بیشتر مورد توجه مردم در سراسر جهان قرار گرفته است. به‌گونه‌ی مثال، در تحولات ترکیه بهترین وسیله خبررسانی به مردم، فیسبوک بود. منشای شکل‌دهی دسته‌های مردم در بهار عربی، فیسبوک بود. در جامعه ما نیز همین‌گپ است. فیسبوک وسیله‌یی است که انسان را زود به هدف می‌رساند و در عین زمان تبادل نظر و معلومات صورت می‌گیرد. در جامعه افغانستان این نقش فیسبوک بیشتر مورد نیاز است؛ زیرا ما از یک‌سو مواصلات فیزیکی کمتری داریم و شبکه‌های ترانسپورتی ما فراوان مشکل دارند، از سوی دیگر پراکنده‌گی جمعیت زیاد است، و از سویی هم امکانات خبررسانی از مجراهای دیگر در کشور ما بسیار محدود است. به همین دلیل، من باور دارم که فیسبوک یکی از وسایلی مهم و تأثیرگذار در مناسبات سیاسی - مدنی است.

نکته دیگری که می‌شود در این مبحث آن را بگنجانیم این‌که: فیسبوک شبکه است و از مجموعه‌یی از افراد تشکیل شده است. یک حرف در زمان بسیار کم، صدها و هزارها بار انعکاس می‌یابد. یکی از ویژه‌گی‌های شبکه همین است؛ یک پدیده واحد را در زمانی کم به هزاران پدیده مشابه تبدیل می‌کند و این کار در خبررسانی زود و موثر کمک می‌کند.

آقای علمی، پیشتر به وحدت ملی و پاسداشت آن اشاره کردید. این در حالی‌ست که اطلاعات و گزارش‌هایی وجود دارند مبنی بر این‌که شبکه‌های استخباراتی بیرونی صدها صفحه فیسبوک در افغانستان ایجاد کرده و سرگرم تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف در جامعه ما هستند. باورتان چیست، پیامد این کار چه می‌تواند باشد؟ آیا شما چنین خطری را احساس می‌کنید؟ از دو منظر می‌توان به سوال شما پرداخت. نخست، افغانستان را با چهل سال قبل به مقایسه بگیریم؛ آیا چهل سال قبل یک جوان دایکندی، پکتیکا، بدخشان یا هر ولایت دیگر،

جرأت داشت گفتمانی را باز کند که در آن خواست قومی و زبانی مطرح باشد؟!... مسلماً نداشت، اگر می‌داشت سرکوب می‌شد، حتی انتقاد هم کرده نمی‌توانست. ما دیدیم که حکومت‌های دیکتاتور افغانستان با سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌شان نه‌تنها مسأله را حل کرده نتوانستند، بلکه آن را بحرانی نیز ساختند. اما امروز می‌بینیم که هرکسی حرفش را بدون ترس و هراس مطرح می‌کند. یکی از پیشگامان دوران مشروطیت می‌گفت:

آن‌چه در راه وطن نگفتند و نهفتند ما اندر سر بازار بگفتیم و نوشتیم.

فیسبوک زمینه را فراهم آورده و باید بگذاریم هرکس هرچه دارد، بگوید و پنهان نکند، تا زمانی که به جایی برسیم. ما مشکلات تباری و مرزی فراوانی داریم و باید بحث‌ها در این زمینه مطرح گردند. من هیچ‌گاه طرفدار سانسو نیستم، اما طرفدار قانون‌مند ساختن فیسبوک هستم. فیسبوک پُر است از نام‌های مستعاری که مصرف دامن‌زدن به حساسیت‌های قومی و ستمی هستند. دقیقاً این‌جاست که می‌گویم استفاده از فیسبوک باید قانون‌مند شود. در کشور ایران استفاده از فیسبوک قانون‌مند است، به هیچ‌کسی اجازه داده نمی‌شود خلاف منافع ملی و خط‌های قرمز این کشور ابراز نظر کند. اما در افغانستان فیسبوک باید وارد بحث‌های علمی گردد، برایش چوکات بازتر ایجاد شود و استفاده موثر از آن ترویج گردد. بهتر است بحث‌ها را در کشور باز کرد و هیچ چیزی را پنهان نگذاشت؛ چون وقتی مسأله مطرح نگردد، راه‌حلی نیز برای آن سراغ گرفته نمی‌شود. شما از جنبش روشنایی یاد کردید، ما در دوران انتخابات نمی‌توانستیم ۲۰ هزار نفر را جمع کنیم، اما این جنبش با استفاده از فیسبوک توانست هزارها تن را به خیابان‌ها بکشاند.

استفاده از فیسبوک اما دو خطر بسیار بزرگ دارد که من همواره از آن‌ها نگران بوده‌ام. یک، واگرایی ملی. مبادا حرف‌های پیهوده به اندازه‌یی رشد و گسترش یابند که شاهد جنگ‌های دیگری در کشور باشیم. دوم، اگر از دید بدبینانه به فیسبوک بنگریم، فیسبوک جزئی

از پروژه جهانی‌سازی‌ست که در این‌جا ممکن است خانواده‌های افغانستان ارزش‌هایشان را از دست بدهند؛ چون ما کشوری ضعیف هستیم که در برابر جهانی‌سازی مقاومت کرده نمی‌توانیم. همچنین، فیسبوک نظام آموزشی را در کشور خدشه‌دار ساخته است؛ در یک صنف درسی، هم شاگرد مصروف فیسبوک است و هم استاد، و درس در جایش باقی مانده. این‌گونه است که ما نیمه‌باسواد فارغ می‌دهیم.

استاد فطرت، آقای علمی نگران از دست رفتن ارزش‌های فرهنگی در جامعه ما هستند. ایشان معتقدند که این ارزش‌ها شاید تحت تأثیر ارزش‌های بیگانه از میان بروند. شما نیز چنین نگرانی‌یی را دارید؟ با استاد علمی موافق هستم، قطعاً این نگرانی وجود دارد. اما نکته اصلی این است که استفاده از هر شیء یا پدیده‌یی، بستگی به نوع نگاه ما به آن شیء یا پدیده دارد. حالا فیسبوک تقریباً در همه جوامع دنیا جا افتاده و در بین مردم راه خود را باز کرده است. بازهم اگر ما خواسته باشیم وحدت ملی افغانستان را تقویت کنیم، یگانه‌گانی که در این راستا در دسترس قرار دارد، باز فیسبوک است. اگر خواسته

باشیم در برابر افکاری که وحدت ملی را خدشه‌دار می‌سازد و بر همدلی و هم‌نویایی اقوام و اقشار و فرهنگ‌های مختلف ضربه می‌زند، مبارزه کنیم؛ بازهم محتاج فیسبوک هستیم تا افکار نفی‌کننده آن افکار تفرقه‌افکن را در آن انعکاس دهیم.

باور من این است که اگر ما از فیسبوک استفاده درست و معقول کنیم، این پدیده می‌تواند در افغانستان نقش بسیار مثبت و موثری را در پیشرفت جامعه‌مان بازی کند. یکی از کارهایی که ما باید وارد فیسبوک کنیم، ایجاد تعامل سازنده فرهنگی با فرهنگ‌های دیگر دنیا است. یادمان باشد فرهنگی که به گرد خود دیوار می‌کشد، هیچ‌گاه از درون آن، نخبه‌گان و انسان‌های سازنده ظهور نمی‌کنند.

در این زمینه مطرح گردند. من هیچ‌گاه طرفدار سانسو نیستم، اما طرفدار قانون‌مند ساختن فیسبوک هستم. فیسبوک پُر است از نام‌های مستعاری که مصرف دامن‌زدن به حساسیت‌های قومی و ستمی هستند. دقیقاً این‌جاست که می‌گویم استفاده از فیسبوک باید قانون‌مند شود. در کشور ایران استفاده از فیسبوک قانون‌مند است، به هیچ‌کسی اجازه داده نمی‌شود خلاف منافع ملی و خط‌های قرمز این کشور ابراز نظر کند. اما در افغانستان فیسبوک باید وارد بحث‌های علمی گردد، برایش چوکات بازتر ایجاد شود و استفاده موثر از آن ترویج گردد. بهتر است بحث‌ها را در کشور باز کرد و هیچ چیزی را پنهان نگذاشت؛ چون وقتی مسأله مطرح نگردد، راه‌حلی نیز برای آن سراغ گرفته نمی‌شود. شما از جنبش روشنایی یاد کردید، ما در دوران انتخابات نمی‌توانستیم ۲۰ هزار نفر را جمع کنیم، اما این جنبش با استفاده از فیسبوک توانست هزارها تن را به خیابان‌ها بکشاند.

استفاده از فیسبوک اما دو خطر بسیار بزرگ دارد که من همواره از آن‌ها نگران بوده‌ام. یک، واگرایی ملی. مبادا حرف‌های پیهوده به اندازه‌یی رشد و گسترش یابند که شاهد جنگ‌های دیگری در کشور باشیم. دوم، اگر از دید بدبینانه به فیسبوک بنگریم، فیسبوک جزئی از پروژه جهانی‌سازی‌ست که در این‌جا ممکن است خانواده‌های افغانستان ارزش‌هایشان را از دست بدهند؛ چون ما کشوری ضعیف هستیم که در برابر جهانی‌سازی مقاومت کرده نمی‌توانیم. همچنین، فیسبوک نظام آموزشی را در کشور خدشه‌دار ساخته است؛ در یک صنف درسی، هم شاگرد مصروف فیسبوک است و هم استاد، و درس در جایش باقی مانده. این‌گونه است که ما نیمه‌باسواد فارغ می‌دهیم.

فرهنگی که دروازه گفت‌وگو و مبادله فرهنگی و معنوی را بر فرهنگ‌های دیگر بسته می‌کند، در دنیای امروز عقب‌مانده‌ترین فرهنگ ممکن به شمار می‌آید. این فرهنگ، زایایی و پویایی و خلاقیت را در درون خود از دست می‌دهد، همچنین قدرت خلاقیت و نوآوری را از انسان‌هایی که در دامان آن پرورش می‌یابند، می‌گیرد. افراد را در داخل سلسله ثابتی از سنت‌های از کار افتاده منجمد می‌کند. به همین لحاظ، یکی از امکان‌های بسیار خوب که می‌توانیم فرهنگ جامعه‌مان را در یک تعامل و همکاری متقابل معنوی با فرهنگ‌های دیگر قرار بدهیم، فیسبوک است که هر فرهنگ برای انکشاف خود در دنیای امروز، نیاز به تعامل با فرهنگ‌های دیگر دارد و ما نباید اسم آن را «تهاجم فرهنگی» بگذاریم؛ چون اگر ما به واژه معنوی فرهنگ مراجعه کنیم، فرهنگ در ذات خود مهاجم نیست؛ فرهنگ در ذات خود پرورش انسان، مراقبت انسان و انکشاف قابلیت‌های انسان است که در وجود انسان نهفته است. بنابراین، خوب است که ما از فرهنگ به عنوان یک وسیله و امکان برای ایجاد تعامل فرهنگی خود با فرهنگ‌های دیگر استفاده کنیم.

چیزی دیگری که می‌خواهم خدمت‌تان عرض کنم، آن را در بحث جامعه‌شناسی «اگریستانس چندفرهنگی» می‌گویند، مانند انسانی که از فرهنگ خود استفاده می‌کند اما برای غنا بخشیدن به فکر و شخصیت خود، از تجارب و عناصر مثبت فرهنگ‌های دیگر دنیا نیز استفاده می‌کند. شخصیت این انسان، بسیار متفاوت است با شخصیت انسانی که در داخل یک فرهنگ پرورش یافته است. انسانی که داخل یک فرهنگ پرورش یافته است، نوعی فکر ستیزگرایانه با فرهنگ‌های دیگر دارد. این انسان با انسانی که از چندین فرهنگ تغذیه کرده است، بی‌نهایت تفاوت دارد. آن، یک انسان سستی و درجا زده است و این، یک انسان توسعه یافته.

کار دیگری که در حوزه فرهنگ می‌توان



# آثار و عوارض فیسبوک در جامعه افغانستان

گرداننده: جمشید یما امیری  
ترتیب کننده: روح‌الله بهزاد

بخش سوم

به‌واسطه فیسبوک انجام داد، ایجاد یک نوع خودانتقادگری نسبت به فرهنگی‌ست که ما در آن زنده‌گی می‌کنیم. هیچ فرهنگی رشد نمی‌کند، مگر آن فرهنگ خود را نقد نکند. هیچ فرهنگی رشد نمی‌کند، اگر دچار خودشکیفته‌گی شده باشد و بگوید که هرچه من دارم درست است، هرچه را من ارزش می‌گویم ارزش است، و هرچه جزء میراث تاریخی است، باید قبول کرد و نسبت به آن رویکرد انتقادی نداشت. یکی از عوامل اساسی‌یی که اروپا رشد کرد، این بود که هر جامعه اروپایی از لاک فرهنگی خود بیرون آمد و از بیرون به فرهنگ خویش نظاره کرد. در این وضعیت، بسیار زود با نقاط ضعف و قوت فرهنگ خود آشنا شدند؛ نقاط قوت را تقویت و نقاط ضعف را رفع کردند تا این‌که جامعه امروز اروپا را به میان آوردند که حتی به هزارها سال بعدشان نیز برنامه دارند. کار دیگری که در حوزه فرهنگ در فیسبوک می‌توان انجام داد، پالایش فرهنگی است. فیسبوک می‌تواند زمینه بسیار خوبی به تخلیه فرهنگ از ارزش‌های از کار افتاده باشد. این کار در راستای راه‌حل نگرانی‌یی‌ست که استاد علمی مطرح کردند؛ یعنی قانون‌مند ساختن فیسبوک و عقلانی ساختن استفاده عمومی از آن.



عبدالبشیر فکرت بخشی، استاد دانشگاه کابل  
بخش دوم  
ابن سینا

در رابطه با این که ابن سینا به چند نوع ادراک قایل است، روایت یک‌دست وجود ندارد. کما این که، نویسندهٔ الفلسفه الإسلامية فی المشرق مدعی است که بوعلی به سه شناخت -۱ حسی، ۲ عقلی و ۳ ذوقی معتقد بوده و شناخت‌های تصوّفی را نیز انکار نکرده، هرچند اقراری نیز بدان نداشته است. صاحب کتاب الفلسفه الإسلامية و اعلامها معتقد است که بوعلی به سه نوع شناخت قایل است. با این همه، حنا فاختوری و خلیل جرّ مدعی‌اند که ابن سینا تنها به دو نوع شناخت، یعنی شناخت حسی و عقلی اعتقاد داشته است.

به نظر نویسندهٔ این سطور، اختلاف نظر ناشی از شماری از روایت‌هایی است که نشان می‌دهد ابن سینا در آخر عمرش به تصوف گرایش یافته بود. این امر سبب شده کسانی ادعا کنند که ابن سینا افزون بر شناخت‌های حسی و عقلی، به شناخت اشراقی نیز قایل بوده است. در این میان، قدر مورد اتفاق این است که ابن سینا ادراکات، یا به تعبیر دیگر، «شناخت» را دارای دو درجهٔ حسی و عقلی می‌دانست. با این وجود، در باب گرایش‌های او به تصوّف نیز سخنانی رفته است، اما نمی‌توان به یقین و با قطعیت در این زمینه حکم کرد. ابن فیلسوف مسلمان ادراکات حسی را ناشی از انطباعات صورت اشیا در حواس می‌داند و حواس نیز از نظر او به -۱ حواس خارجی و -۲ حواس باطنی تقسیم می‌شود.

حواس پنجگانه از نظر ابن سینا با حواس پنجگانه از نظر امروزیان تفاوتی ندارد. منظور ابن سینا از حواس باطنی عبارت از: حس مشترک، مصوره یا خیال، متخیله، وهمیه، حافظه یادآورنده (ذاکره)، قوه عامله یا عقل عملی، قوه عالمه یا عقل نظری، عقل هیولانی (همان عقلی که استعداد دریافت ماهیت اشیا را دارد)، عقل بالملکه که بدیهیات و معقولات اولی را معرفی می‌دارد، عقل بالفعل و عقل مستفاد می‌باشد.

شیخ‌الرئیس که از پیروان مکتب مشاء و صدرنشین این مکتب است، ادراکات را به صورت کلی به دو دسته حسی و عقلی تقسیم می‌کند. او همچون ارسطو به تجرید و انتزاع مفاهیم از محسوسات معتقد است و بر سنخیت میان حواس و محسوسات نیز تأکید دارد. از منظر او، ادراک عقلی را همان انتزاع صور محسوسات توسط عقل است که تفاوت چندانی با دیدگاه ارسطو و فارابی در این زمینه ندارد.

ابن سینا برخلاف فیلسوفان پیش از خودش، به صورت مشروحاتی به توضیح کارکرد هریک از حواس پرداخته و با آکاوی و طرح نظریاتی در این زمینه - که پاره‌یی از آن متکی بر اندوخته‌های او در ساحت طب آن زمان بوده است - افق‌های روشن‌تری را نسبت به پیشینیان به دست می‌دهد. اندیشهٔ ابن سینا در مباحث حواس ممیزه دیگری نیز دارد و آن این که، وی به مسأله لذت و ألم نیز که توأم با حواس‌اند، سخنانی دارد و انفعال حسی را بریده از مؤثر ملائم و غیر ملائم - که همان لذت و ألم است - نمی‌داند.

ابن سینا به نارسایی‌های شناخت‌های حسی واقف است و بر آن هرازگاهی انگشت می‌نهد. به پاره‌یی از این نارسایی‌ها می‌پردازیم:

(۱) معرفتی که حواس به دست می‌دهد، معرفت نسبی است.

(۲) ادراک حسی شناختی از اشیا ارایه می‌کند که مغایر با حقیقت اشیا است.

(۳) معرفت حسی میان صفات جوهری و صفات ثانوی پدیده‌ها تفکیک قایل نیست.

(۴) معرفت حسی جز به اشیا مادی تعلق نمی‌گیرد.

با برشمردن کاستی‌های معرفت حسی است که شیخ‌الرئیس به شناخت‌های عقلی چشم می‌دوزد و علی‌رغم اقرار و اعتراف به ارزش شناخت حسی، از انکار و تأیید کلی این نوع معرفت دوری می‌جوید. ابن سینا عقل را در

یک تقسیم اعتباری به هیولانی، بالملکه، بالفعل و مستفاد تقسیم می‌کند که تفاوت چندانی با تقسیم‌بندی فارابی ندارد.

شیخ‌الرئیس ادراکات عقلی را فارغ از مقولات زمان، مکان، وضع و علیت میسر نمی‌بیند و معتقد است که معرفت عقلی در داخل همین مقولات شکل می‌گیرد و شناخت عقلی‌یی فارغ از این مقولات وجود ندارد. روی این بیان، ابن سینا برای عقل نیز همچون حس محدود قایل است و قلمرو آن را مطلق نمی‌پندارد. بوعلی دست به کاری زده است که بعدها ایمانوئل کانت در قرن هجدهم انجام داد و مرزهای فاهمه بشری را تعیین کرد. ابن سینا از این منظر، شابهت تامی با ارسطو و کانت می‌یابد که راه‌بردن عقل را جز در چارچوب مقولات عقلی میسر نمی‌دیدند. مقولاتی که هریک از این سه فیلسوف تعیین کردند، از جهات بسیاری با هم متفاوت بود. با این همه، مقوله‌بندی و داوری در محدودهٔ آن را باید وجه عام اندیشهٔ ارسطو، ابن سینا و ایمانوئل کانت دانست.

ابن سینا از منظر دیگری نیز با ایمانوئل کانت شابهت دارد و آن، تفکیک میان حقیقت اشیا با معرفت به دست آمده توسط عقل و حواس است. شیخ‌الرئیس حقیقت اشیا را به دور از دست‌رس عقل می‌داند و ادراک عقلی را جز راه بردن به اعراض و ویژه‌گی‌های غیرذاتی اشیا نمی‌بیند. از نظر وی، باید میان دو تصور (حقیقت) در پدیده‌ها تفکیک قایل شد؛ یکی آن‌چه که برای ما پدیدار می‌شود و عقل آن را از ظواهر پدیده‌ها درک می‌کند، و دیگری آن‌که عقل از درک و رسیدن به آن عاجز است. زیرا در چارچوب مقولاتی عقل نمی‌گنجد و چنان‌که هست آن را نمی‌توان شناخت.

مردم خیال می‌کنند که برای اولین بار کانت بود که میان نومن (بود) و فنومن (نمود) تفکیک قایل شد و متعلق شناخت ما را همان فنومن یا نموده‌ها دانست؛ درحالی‌که ابن سینا سال‌ها پیش از کانت به این تفکیک پی برده بود و امروزه به‌طور حتم پذیرفته شده است که

شیء فی نفسه یا اشیا کماهی برای ما قابل شناخت نیستند، بلکه ما متناسب با ساختارهای عقلی خویش به سراغ شناختن اشیا می‌رویم و تا اشیا در موقعیت خاص و در چارچوب‌های ویژه‌یی قرار نگیرند، شناخته نمی‌شوند. ابن سینا نیز بر همین نکته اشاره دارد آن‌جا که ادراک عقلی را در چارچوب مقولات زمان، مکان، وضع و علیت طرح می‌کند، برای عقل محدوده قایل می‌شود. با این وصف، اشیا تا در لباس این مقولات عقلی درنایند، برای عقل قابل رؤیت نیستند.

نکتهٔ پیش‌گفته را باید یکی از مهم‌ترین وجوهات اندیشهٔ ابن سینا دانست که با تحدید قلمرو عقل، بر تفکیک میان معرفت و وجود صحه می‌گذارد و مبانی معرفت‌شناسی جدید را پایه‌ریزی می‌کند.

#### ابن رشد

ابوالولید محمد بن أحمد بن رشد (۵۲۰ق- ۵۹۵ق) از فیلسوفانی است که تأکید بیشتری بر عقل داشته است و از شارحان بزرگ فلسفه ارسطو به شمار می‌آید. رویارویی او و ابوحامد غزالی شهرت فراوانی برای این دو اندیشمند در تاریخ بخشیده است. ابن رشد در پی شرح آثار ارسطو، نقدهایی خردکننده‌یی بر ابن سینا روا می‌دارد. از دید او، ابن سینا نظریات ارسطو را چنان‌که بوده است، نقل نکرده و در نقل آرای ارسطو خطاهایی را مرتکب شده که صدمهٔ سهم‌گینی بر پیکر فلسفه وارد آورده و

کارد دست مخالفانی چون غزالی داده است: انتقاد ابن رشد از ابن سینا این است که آن‌چه از ارسطو نقل کرده است، در حقیقت متعلق به ارسطو یونانی نیست. ابن رشد در کتاب خود تهافت‌الفلاسفه می‌گوید اگر ابن سینا ارسطوی یونانی را همان‌گونه که بود می‌شناخت و معرفی می‌کرد، غزالی جرأت و قدرت مخالفت با او را پیدا نمی‌کرد. قرائت و تفسیر ابن سینا از ارسطو به گونه‌یی بود که انتقادات غزالی را برانگیخت. مثلاً ابن سینا Ousia یا On یونانی را به موجود تعبیر کرد که اسم مفعول است؛

یعنی ذات و ماهیتی که دارای وجود است و حال آن‌که Ousia و On یونانی اسم فاعل و بسیط است و معنی آن «آن» و «انیت» یعنی «باشنده» است. نتیجهٔ تعبیر ابن سینا از On یونانی همان شد که به ناگزیر برای موجود، دو جنبهٔ وجود و ماهیت را در نظر گرفت و آن وقت به مشکل حدوث و قدم ذاتی و زمانی عالم برخورد نمود و عالم را قدیم زمانی به‌شمار آورد و همین امر یکی از دلایل مهم مخالفت غزالی با او بود.

ابن سینا را بنیان‌گذار فلسفهٔ اسلامی گفته‌اند، درحالی‌که ابن رشد را به عنوان شارح ارسطو می‌شناسند. شاید به همین سبب بود که ابن سینا در پی شناخت دقیق آرای ارسطو نبود، بلکه راه و روش خاص خودش را داشت. ولی ابن رشد تلاش می‌ورزید به ارسطو وفادار بماند و با فهم اندیشه‌های ارسطو، آن را به صورت صحیحی شرح و بسط دهد.

ابن رشد همچون فیلسوفان پیشین، از نفس حاسهٔ یادآور می‌شود که حواس پنجگانهٔ لامسه (پس‌آوایی)، ذائقه (چشایی)، شامه (بوایی)، باصره (بینایی) و حس سامعه (شنوایی) از جملهٔ آن است. این فیلسوف افزون بر نشان‌دهی کارکرد هر یک از حواس، از حس مشترک نیز سخن به میان می‌آورد که قوهٔ واحد مشترکهٔ حواس است. توضیح ابن رشد این است که محسوسات دارای ویژه‌گی‌های مشترکی‌اند که برای درک آن‌ها باید قوهٔ مشترک واحدی وجود داشته باشد تا درک شوند؛ خواه این محسوسات در میان تمامی حواس مشترک باشد همچون عدد و حرکت؛ و یا میان دو قوه مشترک باشد، مثل شکل و مقدار که تنها به وسیلهٔ حس باصره و لامسه درک می‌شوند.

ابن رشد معتقد است که ادراک شناخت‌های حواس توسط همین حس مشترک صورت می‌گیرد، ورنه لازم می‌آید که محسوسات خود نفس احساسات باشند. مثلاً موضوع حس باصره رنگ است، اما موضوع حس مشترک خود رنگ است و اگر این فعل ناشی از قوهٔ باصره باشد، لازمه‌اش این است که رنگ خود ادراک رنگ باشد و این محال خواهد بود. البته توجه به حس مشترک از اندیشهٔ ابن سینا نیز به‌دور نمانده است.

# در فلسفه اسلامی دربارهٔ شناخت



اشرف غنی:

# دست فاسدان از پروژه‌های بزرگ قطع می‌شود

هشت قرارداد را به ارزش ۷،۴ میلیارد افغانی منظور و ۱۱ قرارداد دیگر را جهت بررسی‌های مزید و حصول اطمینان از صحت مطالعات تخنیکي، اعاده کرد.

قراردادهای که مورد تایید کمیسیون قرار گرفتند عبارت‌اند از:

- دیزاین و ساخت بند تنگی شادبان ولایت بلخ و بند آب کلی ولایت سمنگان که در پرنسپ تایید گردید؛

- بازسازی کانال شفلان ولسوالی پشتون زرغون ولایت هرات؛

- تعدیل قرارداد ساختمان سربند یتیم تپه و تحکیم سواحل دریای آمو در ولسوالی ینگلی قلعه ولایت تخار؛

- تعدیل در قرارداد ساختمان سرک جبل السراج الی نجراب؛

- تهیه و نصب تجهیزات تکنالوژی معلوماتی برای پوهنتون‌های کابل، پولی تخنیک، پوهنتون طبی کابل و موسسات تحصیلات عالی پروان و وردک

- و تعدادی از قراردادهای حفظ و مراقبتی و محروقاتی وزارت امور داخله.

براساس معلومات ارگ، بیشترین پروژه‌های که از جانب کمیسیون اعاده شد شامل دیزاین و ساختمان بندها در ولایت‌های پکتیا، خوست، لغمان، بامیان، دایکندی، پروان، فراه، غور، بادغیس، تخار، قندهار و ارزگان می‌گردد.

کمیسیون تدارکات ملی این پروژه‌ها را به منظور رسیدگی به مشکلات تدارکاتی به خصوص حصول اطمینان از ظرفیت شرکت‌ها و دقت مطالعات تخنیکي، اعاده کرد.

کمیسیون تدارکات ملی همچنان قرارداد تدارک پرزه جات تصدی کود برق مزار شریف را اعاده نموده و فیصله کرد تا طرح اساسی احیا و عصری سازی این تصدی به شورای عالی اقتصادی از سوی وزارت معادن و پترولیم و مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور ارائه گردد.

کمیسیون تدارکات ملی هم‌چنان حین بحث بالای پروژه‌های وزارت فواید عامه، آن وزارت را مکلف ساخت تا در زمینه ایجاد سیستم مدیریت پروژه‌ها با استفاده از تکنالوژی معاصر اقدام جدی نماید.



تطبيق پروژه‌های زیربنایی سهم بگیرند." براساس معلومات دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری؛ در نشست این هفته کمیسیون تدارکات ملی از جان ساپکو مفتش ویژه ایالات متحده امریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) نیز منیجنت ناظر دعوت به عمل آمده بود.

آقای غنی در این جلسه، ابتدا صعود پنج مرتبه‌ی افغانستان به سوی شفافیت را در گزارش تازه نهاد بین‌المللی شفافیت تریک گفت و از تلاش‌های اعضای کمیسیون تدارکات ملی و اداره تدارکات ملی به سبب این که اصلاحات نظام تدارکات یکی از عوامل این صعود عنوان گردیده، ابراز امتنان کرد.

مسئولان در اداره تدارکات ملی نیز از تعهد و تلاش هر چه بیشتر این اداره به منظور تحقق اهداف مهم روند اصلاحات نظام تدارکات به خصوص تقویت شفافیت و مبارزه علیه فساد اطمینان دادند.

سپس کمیسیون تدارکات ملی قراردادهای پیشنهادی وزارت‌ها و اداراتی را که شامل اجندای جلسه بود به بررسی گرفته و در نتیجه

رییس‌جمهور کشور در جلسه کمیسیون تدارکات ملی که با حضور بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان برگزار شد تاکید کرد که پس از این پروژه‌های بزرگ ملی به دست فاسدین نخواهد افتاد.

محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور در نشست این هفته کمیسیون تدارکات ملی که شام روز شنبه (۹ دلو) در ارگ برگزار شده اظهار داشت که اعمار بندها بدون شک از اولویت عمده و نیازمندی‌های مبرم مردم افغانستان می‌باشد.

آقای غنی تصریح نمود: "اما کمیسیون تدارکات ملی تلاش جدی به خرج می‌دهد تا چالش‌های که در گذشته در همچو پروژه‌های بزرگ وجود داشته و سال‌های متمادی با دارایی‌های مردم افغانستان از سوی عناصر فاسد و استفاده‌جو بازی صورت گرفته، بار دیگر تکرار نگردد."

وی افزود: "باید با سکتور خصوصی و شرکت‌های بزرگ افغانی فضای گفتمان شفاف و انگیزه سرمایه‌گذاری ایجاد گردد تا شرکت‌های که دارای ظرفیت و پتانسیل واقعی هستند، بتوانند از طریق رقابت سالم و شفاف در

روغتیا وزارت:

# د ۲۰۱۷ م کال تر پایه افغانستان کې د پولیو ناروغي ختموو



د افغانستان عامې روغتیا وزارت وايي، د تېر میلادي کال لاسته راوړنو ته په کتو ډاډه دي چې په ۲۰۱۷ میلادي کال کې به پولیو یا د ماشومانو د گوزن ناروغي په افغانستان کې ختمه کړي.

د دغه وزارت د پولیو د له‌منځه وړلو پروگرام مسؤل ډاکټر میوند احمدزي د یکشنبې په ورځ کابل کې د یوې خبري ناستې پر مهال وویل چې په ۲۰۱۶ میلادي کال کې په ټول افغانستان کې د پولیو ۱۳ پېښې ثبت شوي چې دا په تېرو لسو کلونو کې تر ټولو ټیټ گراف ښيي.

ښاغلي احمدزي وویل، د عامې روغتیا وزارت هڅه کوي چې پولیو په افغانستان کې ختمه کړي او هغه پیسې چې دې برخه کې مصرفېږي هغه نورو روغتیايي برخو کې ولگوي.

نوموړی وايي: "په ۲۰۱۷ میلادي کال کې به موږ همدغو کارونو ته دوام ورکوو، نن سبا موږ په پولیو باندې میلیونونه ډالر مصرفوو نو کله چې موږ د پولیو محو ته ورسېدو دغه ټولې پیسې به په نورو روغتیايي خدمتونو ولگول شي او روغتیايي خدمتونه به ښه شي." د ښاغلي احمدزي په خبره ټاکل شوي چې د سلواغې په ۱۱ مه نېټه په ټول هېواد کې د ۳۰ زره واکسیناتورانو له‌خوا د پولیو کمپاین پیل شي.

د افغانستان د عامې روغتیا وزارت د معلوماتو له مخې دوی په پام کې لري چې په ۲۰۱۷ میلادي کال کې د یونېسکو او روغتیا نړیوال سازمان په مالي او تخنیکي مرسته څه باندې ۶،۵ میلیونه ماشومانو ته د پولیو واکسین وکړي.

د دغه وزارت مسؤلین وايي چې په ۲۰۱۵ میلادي کال کې په ټول افغانستان کې د پولیو ۲۰ پېښې ثبت شوي چې په ۲۰۱۶ میلادي کې دغه پېښې ۱۳ ته ټیټې شوې او په ۲۰۱۷ میلادي کې به دوی دغه پېښې صفر ته ورسوي.

په ۲۰۱۶ میلادي کال کې د افغانستان په څلورو ولسوالیو کې د پولیو پېښې ثبت شوي چې برمېل کې د پولیو ۷ پېښې د کونړ شیکل ولسوالۍ کې ۴ پېښې او یوه یوه پېښه هم په نوزاد او شاه ولي کونړ ولسوالیو کې.

په ورته وخت کې په افغانستان کې د یونېسکو ادارې د پولیو برخې مسؤلې ډاکټر ملیسا په دغه خبري کنفرانس کې وویل چې افغانستان د پولیو له‌منځه وړلو ته نېرېدې شوی او ټول افغانان باید دې برخه کې په ګډه کار وکړي ترڅو په افغانستان کې د پولیو ناروغي ختمه شي.

اغلې ملیسا زیاته کړه: "زه ډېره زیاته خوشحال یم چې افغانستان د پولیو محو ته نېرېدې شوی، دې برخه کې ټول خلک او ټولني باید په ګډه کار وکړي ترڅو ماشومان د پولیو له ناروغۍ څخه په امن کې شي او دا د ټولو ګډ مسؤلیت دی."

په ورته وخت کې په افغانستان کې د روغتیا نړیوال سازمان د پولیو برخې مرستیال منیب راماتي د پولیو په وړاندې ګډه مبارزه او کار ډېر مهم بولي او وايي چې په دې برخه کې باید ټول خپل مسؤلیتونه درک کړي. د ښاغلي راماتي په خبره تېر میلادي کال د پولیو د مخنیوي لپاره ډېر ګټور کال و خو دغې چارې ته باید تر هغې دوام ورکړل شي تر کومه چې په افغانستان کې د پولیو ناروغي ختمه شي.

# شکایت زندانیان ولایت غزنی از بی توجهی مسوولان

جنرال امین الله امرخیل، فرمانده پولیس غزنی می‌گوید که برای هر زندانی به ارزش ۷۰ افغانی در روز غذا در نظر گرفته شده و «این برای پرکردن شکم یک انسان سالم بسنده نیست».

آقای امرخیل از مسوولان می‌خواهد، برای برقراری نظم و جلوگیری از تهدیدات امنیتی، مسؤلیت زندان غزنی به فرماندهی پولیس این ولایت منتقل شود.

شماری از زندانیان این زندان می‌گویند که افزون بر مشکلات جای و فضای خراب، برای‌شان غذای کافی داده نمی‌شود و به خدمات صحی و حمام دسترسی ندارند.

آن‌ان می‌افزایند، تا زمانی که حکم آزادی‌شان صادر می‌شود به چندین بیماری دچار می‌شوند و پزشک موظف زندان هم یک قرص آرامش‌بخش را به همه بیماران تجویز می‌کند.

زندان غزنی در سال‌های ۱۳۳۰ ساخته شد و به گفته زندانبان‌ها، با افزایش نفوس و جرایم، این زندان ظرفیت گنجایش مجرمان دیگر را ندارد.



تعفن آزاردهنده این زندان، تنفس را برای هرکسی دشوار می‌کند. در این زندان که در ۵ کیلومتری شهر غزنی قرار دارد، بیش از ۲۰۰ تن زندانی‌اند. عبدالکریم متین، والی غزنی در ختم بازدید از این زندان می‌گوید که ساختمان این زندان معیاری نیست و کرامت انسانی و حقوق بشری زندانیان در این زندان نقض می‌شود.

مقام‌های محلی ولایت غزنی می‌گویند، زندان این ولایت محیط درست برای نگه‌داری زندانیان نیست و حقوق این افراد نقض شده است. والی غزنی حین دیدن زندان این ولایت می‌گوید، ساختمان این زندان کهنه و سلول‌های مرطوب است، و در داخل یک سلول کوچک ۱۴ تا ۲۰ زندانی به سر می‌برند.

### فیسبوک نامه

عزیز آریافر



تلخی‌های حاشیه‌نشینی سیاسی

در پیامد برد و باخت‌های سیاسی در ۱۴ سال اخیر، برخی‌ها شکوه می‌کنند که فلان و بهمان سیاست‌مدار به تدریج ما را به حاشیه‌کشانده و از صحنه‌های فعال مدیریت سیاسی کشور بیرون کرده است. به همین خاطر او را به انواع و ذرایع مختلف ملامت و مذمت می‌کنند. برای این‌گونه آدم‌ها باید گفت که سیاست‌خانه خسر یک جوان تازه داماد نیست که شب او را در حریر نرم بخوابانند و صبح برایش تخم ستاره‌ی پخته کنند؛ سیاست‌میدان پیچیده‌ترین و شدیدترین رقابت‌ها و صحنه تقابل شعور، هنر و مهارت‌های سیاسی است؛ و در این میدان، تنها نیروها و بازیگران اصلح باقی می‌مانند و شبه‌بازیگران ضعیف مجبور به ترک میدان و حاشیه‌نشینی می‌شوند. پس آن سیاست‌مدارانی که در این سال‌ها به بیرون‌کردن رقیب و مخالفان خویش از صحنه‌های فعال سیاست و یا کشاندن آنان به «برده‌گی سیاسی» قادر گردیده‌اند، هیچ کار خلافی انجام نداده‌اند، بلکه این امر نشانه ظرفیت آنان در سیاست‌ورزی و بازیگری سیاسی است؛ چون ذات قدرت، تقسیم آسان و غیرضروری خود را بر نمی‌تابد. پس کسانی که احساسات و عواطف‌شان بر عقلانیت سیاسی‌شان چربی می‌کند و سیاست را ابزار فساد و استفاده‌جویی مالی می‌دانند، بهتر است از سود و سودای دنیای سیاست بگذرند و میدان را به بازیگران واقعی و سیاست‌مداران جوان خالی کنند.

یاسر محسنی



ایالات متحده، بعد از رهبری جنگ نزدیک به دو دهه در خاورمیانه و جنوب آسیا، نیاز به لاک دفاعی در داخل داشت برای دفع تهدید نظام‌مند تروریستی در داخل مرزهایش که این تصمیم عاقلانه را ترامپ به نمایندگی از سیستم اتخاذ کرد و پنتاگون بعد از این که آمار و تحقیقات‌شان نشان می‌داد که سایه KGB روزه‌روز بر اروپا گسترده‌تر می‌شود و احتمال «مهاجران» طی برنامه‌ی ۵ ساله برای آمریکا تهدید بالفعل باشد. در این میان عموماً کشورهای تحریم‌شده از ورود به ایالات متحده ناراحت‌اند و موضع گرفتند، من جمله ایران؛ گرچه ایران در اصل خرسند است و هرگونه ارتباط مهاجرتی با ایالات متحده را در تدهل دوست ندارد، برای همین در واکنش خود گفت: توهین برای جهان اسلام است! معمولاً نظر آگاهان این است که ترامپ برنامه‌ی ندارد، غیرمدون است و غیرقابل پیش‌بینی، اما فکر می‌کنم آمریکا تلویحاً چندی پیش اعلام کرده بود که زمین پس برنامه‌های خود را مخفی نگه می‌دارد و سازوکار داخلی‌شان مانند معلق کردن بعضی از دستورهای ترامپ توسط دادگاه عالی، به نحوی جهان را بین خوف و رجا/ترس و امید قرار می‌دهند و بیشتر متمرکز بر رد کردن و مهار خطر برنامه‌های روسیه و چین است و عرصه کنش‌گری را برای این دو قدرت، آزاد می‌گذارد تا در رد و دفع آنها غیرقابل پیش‌بینی وارد کارزار شود. باید چهار سال اول ترامپ را یک فرجه و فرصت مضاعف به ایالات متحده داد تا ببینیم همان‌طور که پنجاه سال از موج همه دانش‌ها در جهان جلوتر است، آیا می‌تواند همچنان سکان‌دار سیستم تک‌قطبی در جهان باشد؛ یا این‌که شاید مانند اتحاد جماهیر شوروی برای جمع‌وجورکردن احوالات و اشتباهات‌ش نیاز به انزوای چندوقته از عرصه کنش‌گری بین‌المللی دارد؟!!

حفیظ مصداق



توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند؟

نقد و انتقاد از بدو پیدایش جوامع بشری در روابط و زنده‌گی اجتماعی-سیاسی انسان‌ها وجود داشته است. وقتی خداوند که فعال مایاش و فعال مایرید است، نقد و انتقاد می‌شوند، بر بنده‌گان لازم نیست که از کوچک‌ترین نقد و انتقاد سالم و بجا، بر آشفته‌شود و چهره بتابند. وقتی خالق لایزال انسان را آفرید، فرشته‌گان گفتند: آیا کسی را در زمین می‌آفرینی که فساد پیشه کند و خون بریزاند؟ حضرت حق نه تنها از این نقد و کنش‌گری فرشته‌گان بر آشفته‌شود، بل با پاسخ منطقی و معقول، آنان را متقاعد ساخت. خداوند گفت: چیزی را که من می‌دانم، شما نمی‌دانید. یعنی پروردگا ما به همین ساده‌گی قناعت و پاسخ فرشته‌گان را فراهم کرد. ذاتاً وقتی انسان به درجه و سطحی از قدرت برسد، توان و تحمل‌پذیری‌اش نسبت به زیر دستان و مأموران کمتر می‌شود و دوست ندارد که کسی از او و کارکردش انتقاد کند. اما در هر حوزه و عرصه‌ی که نقدپذیری و انتقاد نباشد، اصلاحات و توسعه به وجود نمی‌آید. اگر انتقاد نباشد، عملکرد درست به وجود نمی‌آید. نقدی که به دور از حُب و بغض و یکسوئنگری و غرض باشد، جنبه اصلاحی دارد. اگر انتقاد نباشد، پیشرفتی نمی‌باشد. بر مدیران و کارفرمایان است تا همیشه ارزیابی کنند و انتقاد بشنوند و بپذیرند. بدون پیامبران هیچ آدمی را نمی‌توان سراغ داشت که در عرصه کار و زنده‌گی‌اش بدون کمی و کاستی و لغزش باشد. معمولاً خطاها و عیب‌های ما را دیگران بهتر می‌دانند و می‌بینند. بنابراین، نباید ما از نقد و انتقاد فرار کنیم و با کسی که از کار و سُرش ما انتقاد می‌کند، با خشونت و احساساتی برخورد کنیم.

## کشور

جهان‌نا

ترامپ مدعی شد:

### قانون مهاجرت

## به معنای منع ورود مسلمانان نیست

ریس جمهوری آمریکا در دفاع از فرمان اجرایی که مهاجرت به آمریکا را محدود می‌کند، اظهار داشت: این فرمان به معنای ممنوعیت ورود مسلمانان به آمریکا نیست و این فرمان عملکرد خوبی داشته است. دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا به خبرنگاران در کاخ سفید گفت: این فرمان به منزله ممنوعیت ورود مسلمانان نیست. او با دفاع از فرمانش گفت: عملکرد خوب آن را در فرودگاه‌ها و در اماکن دیگر شاهد بوده‌ایم. ترامپ روز جمعه فرمان اجرایی را صادر کرد که برای چهار ماه ورود پناهجویان به آمریکا را محدود کرده و موقتاً مانع از اقامت مسافران هفت کشور خاورمیانه از جمله ایران در این کشور می‌شود. ترامپ افزود، این گام که در راستای عمل فوری و جدی به وعده انتخاباتی‌اش است از آمریکایی‌ها در برابر تروریسم حمایت خواهد کرد! ترامپ تأکید کرد که فرمانش مربوط به مسلمانان نمی‌شود، اما ممنوعیت‌های مربوط به این قانون با سخت‌گیری شدید اعمال خواهد شد و بررسی پیشینه متقاضیان ورود به آمریکا که به گفته او، پیش‌تر انجام نمی‌شده، «با جدیت» انجام خواهد شد. مقامات آمریکا بلافاصله این محدودیت‌ها را اجرایی کردند، به طوری که مسافران کشورهای مشمول ممنوعیت سفر به آمریکا در فرودگاه‌ها بازداشت شدند، این اقدامی است که با اعتراض گسترده در داخل آمریکا و خارج آن روبه‌رو شد.

## ترکیه بر گزاری انتخابات زود

## هنگام را رد کرد

معاون نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد که احتمال برگزاری انتخابات زود هنگام وجود ندارد. به گفته او، همه‌پرسی پیشرو در مورد اصلاحات قانون اساسی، گفت: در درجه اول باید بگویم که احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام وجود ندارد. در ترکیه پارلمان به تازه‌گی بر سر کار آمده و کارهای بسیاری پیشرو دارد. در حال حاضر بسته اصلاحات قانون اساسی از پارلمان گذشته است. او ادامه داد: هرنتیجه‌ی که در همه‌پرسی به دست آید، مورد قبول همه واقع خواهد شد و ترکیه بر همان اساس راه خود را ادامه خواهد داد. نمی‌توان گفت که در همه‌پرسی اگر آنچه که ما می‌خواهیم به دست نیاید، ملت در راه اشتباهی به سر می‌برد، اما ما بر این باوریم که اکثریت ملت ترکیه رأی بلی در این همه‌پرسی خواهند داد. کورتولموش، با اشاره به کارزار اخیر مبنی بر انتشار ویدیویی برخی از چهره‌های شناخته‌شده ترکیه با طرفداری از رأی بلی در همه‌پرسی پیشرو، گفت: هرکس در بیان نظرات خود آزاد است. ما در برابر کسانی که در این همه‌پرسی رأی بلی می‌دهند و هم کسانی که رأی خیر خواهند داد، احترام می‌گذاریم. او درباره مبارزه با تروریسم، گفت: اگر اکثریت آرا مبنی بر پذیرش اصلاحات قانون اساسی باشد، این به معنای حمایت از مبارزه با تروریسم است. البته این بدان معنی نیست کسانی که رأی خیر خواهند داد، مخالف مبارزه با تروریسم هستند، اما پذیرش اصلاحات قانون اساسی در همه‌پرسی توسط ملت تأثیر بسیار مثبتی بر روند مبارزه با تروریسم خواهد گذاشت.

### نماینده فلسطین خطاب به جهان:

## قبل از آنکه دیر شود، اقدام کنید

تشکیلات خودگردان فلسطین، از جامعه جهانی خواست، پیش از آنکه دیر شود، اقدامات لازم جهت نجات راه‌حل دو کشوری و تحقق صلح را اتخاذ کند. ریاض منصور، نماینده دائم فلسطین در سازمان ملل در سه‌نامه مشابهی که برای دبیرکل این سازمان، دولت سوس، به عنوان رییس دوره‌ی شورای امنیت و رییس مجمع عمومی سازمان ملل ارسال شد، تأکید کرد: نباید به اسرائیل به عنوان اشغال‌گر اراضی فلسطینی‌ها که از عضویت کامل در سازمان ملل نیز برخوردار است، اجازه داد، خواست جامعه جهانی و به صورت مشخص شورای امنیت را بدون هیچ‌گونه مجازاتی به جالش بکشد. در این نامه‌ها استمرار ساخت واحدهای مسکونی غیرقانونی در اراضی فلسطینی‌ها از جمله قدس و تصرف این اراضی محکوم شده و آمده است: اسرائیل به عنوان طرف اشغال‌گر می‌خواهد این پیام آشکار را به جهان بدهد که قصد دارد به نقض خواسته‌های جامعه جهانی با زورگویی ادامه داده و قطع‌نامه‌های سازمان ملل از جمله قطع‌نامه شماره ۲۳۳۴ شورای امنیت را به جالش بکشد و به این ترتیب تمامی قوانین بین‌المللی، حقوق بشر و قوانین کیفری بین‌المللی را نقض کند. در نامه‌های مذکور آمده است: واحدهای مسکونی جدید به زودی هزاران تن از شهروان فلسطینی‌ها را فراطی که دست به خشونت علیه فلسطینی‌ها می‌زنند، به صورت غیرقانونی و در سایه غیاب کامل هرگونه پیگیری و یا مجازاتی در خود جای خواهند داد و این امر موجب تغییر در ساختار جمعیتی و وضعیت قدس اشغالی خواهد شد.

## حضور نخستین بازیکن افغانستان در لیگ برتر فوتبال ایران



فیصل شایسته، کپتان تیم ملی فوتبال افغانستان قرار است در تیم فوتبال پیکان ایران بازی کند. انوش دستگیر، سرپرست تیم ملی فوتبال افغانستان که در این سفر با آقای شایسته همراه است، نگاهشده است که آقای شایسته روز شنبه با انجام آزمایش پزشکی، برای عقد قرار داد با باشگاه پیکان، با مسوولان آن باشگاه وارد مذاکره شده است.

اگر این مذاکره به نتیجه برسد، فیصل شایسته نخستین بازیکن افغانستان است که در لیگ برتر ایران توپ خواهد زد.

علی عسکر لعلی، سرپرست تیم ملی فوتبال افغانستان گفته است که همین اکنون برخی از بازیکنان دیگر تیم ملی فوتبال افغانستان نیز در لیگ‌های اروپا و آسیا بازی می‌کنند، اما حضور یک افغانستانی در لیگ برتر ایران، تاکنون پیشینه نداشته است.

مسوولان فدراسیون فوتبال افغانستان همچنان از پیوستن مجیب جمالی، مدافع تیم ملی فوتبال افغانستان به تیم «دچیچ توتزی» لیگ برتر مونه نگر و خبر داده است.

این تیم در لیگ برتر مونه نگر و در جایگاه سوم قرار دارد و احتمال دارد با نتایج خوب راهی لیگ اروپا شود.

علی‌عسکر لعلی در صحبتی بر اهمیت حضور بازیکنان تیم ملی در لیگ‌های مختلف برتر جهان تأکید ورزیده گفت: «این امر نه تنها به رشد سویه فوتبال این بازیکنان می‌انجامد، بلکه سایر بازیکنان افغانستان را نیز وامی‌دارد تا برای رسیدن به لیگ‌های جهان بیشتر تلاش کنند.»

تیم ملی فوتبال افغانستان که ترکیبی از بازیکنان افغانستان در خارج از کشور و داخل آن می‌باشد، بازیکنانی را به این تازه‌گی‌ها جذب کرده که در لیگ‌های اول تیم‌های فوتبال اروپا بازی می‌کنند.

فدراسیون فوتبال افغانستان هفته گذشته از پیوستن جبار شرزه که در لیگ برتر دنمارک بازی می‌کند، خبر داد و به گفته سرپرست تیم ملی فوتبال افغانستان، حضور او در کنار بازیکنان مانند میلاد نور و فرشاد سالم، آرایش بهتر تیم ملی فوتبال افغانستان را در رقابت‌های راهیابی به جام ملت‌های آسیا در قبال خواهد داشت.

### رونالدینیو:

## هیچ گاه به مریگیری روی نمی‌آورم



ستاره پیشین تیم‌های بارسلونا و تیم ملی برزیل می‌گوید، علاقه‌ی به مریگیری ندارد، چون تماشای بازی به او استرس وارد می‌کند.

رونالدینیو ۳۶ ساله که بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ عضو تیم پاری‌سن‌ژرمن بود، اخیراً از باشگاه پیشین خود دیدن کرد. او که تماشاگر ویژه دیدار حساس دیروز (یکشنبه) پاری‌سن‌ژرمن و موناکو در هفته بیست‌دوم لوشامپیونه فرانسه است، گفت: نمی‌توانم ۹۰ دقیقه یک بازی را تماشا کنم، چون اذیت می‌شوم و به نوعی استرس می‌گیرم. بیشتر دوست دارم لحظات زیبا و گل‌های بازی را ببینم. به همین خاطر است که تمایل ندارم هیچ‌گاه به مریگیری روی بیاورم.

او افزود: در باشگاه پاری‌سن‌ژرمن همه احترام خاصی برای من قایل هستند و من را به آغوش می‌کشند. خود من هم عاشق باشگاه PSG هستم. نمی‌دانم که چرا در پاریس این قدر من را دوست دارند! در مقابل واکنش آنان حرفی ندارم که بزنم. من پسر پاری‌سن‌ژرمن هستم و وقتی به این باشگاه آمدم، دروازه‌های اروپا به روی من باز شد.

مهاجم پیشین بارسلونا در پاسخ به این پرسش که «می‌توانید از لحظه یادماندنی دوران حرفه‌ی خود در PSG را بگویید؟» تأکید کرد: زمان حضورم در پاری‌سن‌ژرمن خیلی خاص است. بازی‌هایی مقابل مارسی و بوردو، گلی که به گنگان زد، این‌ها لحظاتی است که نمی‌توانم فراموش‌شان کنم. انتخاب تنها یک لحظه، اما غیرممکن است.

رونالدینیو در پاسخ به این پرسش که «بازی کدام بازیکن کنونی PSG را می‌پسندید؟» به جای انتخاب بازیکنانی همچون ادینسون کاونی، آنخل دی‌ماریا و تیاگو سیلوا گفت: تیاگو موتا. او بازیکن باکلاسی است. عاشق تماشای بازی او هستم. به اعتقاد من، سبک بازی او متفاوت با بازیکنان دیگر پاری‌سن‌ژرمن است. ما برای مدت طولانی در بارسلونا کنار هم بازی کردیم و برای همین شناخت خیلی خوبی از او دارم.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش اظهار داشت: تنها پشیمانی‌ام این است که در زمان حضورم در PSG با این تیم به قهرمانی نرسیدم و این هنوز هم ناراحتم می‌کند. در دوران من بازیکنان خوبی از جمله جی‌جی اوکوچا، نیکلاس آنلکا و آلویسیو در این تیم بودند. جای تأسف دارد که اوضاع آن‌طور که باید پیش نرفت.

مهاجم پیشین تیم‌های میلان و اتلتیکو مینیرو در پایان خاطرنشان کرد: امروز، بازیکنان بزرگی در پاری‌سن‌ژرمن هستند و بازی در این تیم رضایت‌بخش است، اما دوران حضورم در PSG بهترین دوره دوران حرفه‌ی ام بود.

# Mandegar

## هشدار خبرنگاران هرات

### به فدراسیون خبرنگاران مرکز



حمید فرهادی - هرات

فدراسیون ها و نهادهای مختلف حمایت از خبرنگاران اطلاع رسانی شده است. وی در ادامه افزود: «بحث افرادی که گزینش می شوند در کمیته مصونیت در ولایت مختلف افغانستان به اساس انتخابات نیست و خود آنها [فدراسیون خبرنگاران] نماینده های خود را انتخاب می کنند و این چیزی است که هم خود دولت افغانستان که در راس این ادامه قرار دارد و هم ولایت های مختلف افغانستان معاونین ولایت ها وجود دارند و مه فکر می کنم انتخابات در این راستا خلاف همان اصولی است که در مرکز گرفته شده است».

آقای صابر می افزاید، با وجودی که برگزاری هرگونه انتخابات از سوی مرکز کشور گوش زده شده بود، اما خبرنگاران هرات بدون در نظر داشت این مسئله انتخابات را برگزار نموده اند. در پاسخ به ادعا، جواد بیات عضو این کمیته که به اساس رای خبرنگاران هرات گزینش شده می گوید: در طرز العمل آمده که اعضای کمیته باید از سوی فدراسیون معرفی شود، اما فدراسیون خبرنگاران به جز کابل در دیگر ولایت های کشور دفتر ندارد، سه تن از افراد گزینش شده از سوی خبرنگاران و صاحب امتیازهای رسانه های هرات گزینش شده و به فدراسیون معرفی کردند و فدراسیون باید منطقی این سه نفر را انتخاب نمایند و به کمیته ولایتی معرفی نماید».

در پایان این نشست، خبرنگاران معترض قطعه نامه ای را به خوانش گرفته و فدراسیون خبرنگاران مرکز را از عملی نشدن خواست هایشان هشدار دادند. در بخشی از این قطعنامه آمده است، در صورت عدم پذیرش خواست ها، فدراسیون رسانه ها در مرکز برای خبرنگاران هرات هیچ نوع مشروعیتی ندارد و اگر برخلاف میل جامعه رسانه ای هرات کمیته مصونیت و امنیت رسانه ها با افراد مورد نظر مرکز کارش را آغاز نماید، این کمیته مورد پذیرش نبوده و جامعه رسانه ای هرات آن را کمیته تدفین آزادی بیان می نامند.

عمر نصیر مجددی، یکی دیگر از خبرنگاران هرات می گوید می که اعضای کمیته به اساس یک انتخابات شفاف و همه شمول برگزار شده و فدراسیون نمی تواند انتخاب سلیقه ای را بالای جامعه رسانه ای هرات تحمیل نماید. وی ادامه می دهد: «افرادی که در مرکز فعالیت داشتند تلاش نموده اند که میان خبرنگاران هرات فاصله ایجاد کنند و تفرقه بیاندازند».

مجددی هم چنان می افزاید که نهادهای رسانه ای مرکز کشور به جز کارهای نمایشی و دادن آمارهای تهی خالی کار خاصی به رسانه ها انجام نمی دهند و هیچ نفعی به رسانه های محلی هرات نداشته اند.

وحیده صمدی، از بانوان خبرنگار هرات در این نشست اشتراک نموده این تصمیم فدراسیون خبرنگاران مرکز را نادیدن گرفتن حضور خبرنگاران هرات می داند و می گوید که در صورت عدم رسیدگی به خواست خبرنگاران هرات، آنان به اعتراض شان ادامه خواهند داد. در همین حال، سید اسماعیل رحیمی فعال مدنی در هرات سیاست های مرکز کشور را به باد انتقاد گرفته و آن را به مقوله معروف «تفرقه بی انداز حکومت کن» هم خوان می داند. وی گوید: متکی برحسب دموکراسی، انتخاب حق هر فرد است و نتیجه انتخابات باید قابل احترام باشد. آقای رحیمی در ادامه افزود: «چیزی که انتخاب هست و چیزی که اجماع عمومی جامعه خبرنگاری در هرات، قابل احترام بوده و مرکز نشینان قطعاً باید به این خواست جامعه خبرنگاری هرات لیبیک گفته و احترام بگذارند».

اما در سوی دیگر، شمار دیگری از خبرنگاران ولایت هرات، معرفی اعضای کمیته را کار فدراسیون خبرنگاران در مرکز دانسته و برگزاری انتخابات را تصمیم عجولانه می خوانند و می گویند که انتخابات خلاف آنچه در طرز العمل این کمیته گفته شده، برگزار شده است. شاپور صابر در اعتراض به این کار خبرنگاران هرات به ماندگار گفت: نهادهای رسانه ای در مرکز خود مختار بوده و این مسئله به اساس طرز العملی که آنها پاس و نهایی کرده اند میان

## آن روزها که رفتند

هارون مجیدی

آن روزها که رفتند، مجموعه ای از نامه هایی به حسین فخری، داستان نویس و منتقد خوش نام افغانستان است که از نشانی نشر زریاب در کابل چاپ شده است. آن روزها که رفتند، شخصیت و نامه به آقای فخری را در خود گنجاییده است که طرح جلد آن را آرش شرر ریخته، واژه نگار آن همایون همدرد بوده و اندرابی زحمت برگ آرایه آن را کشیده است.

حسین فخری همزمان با داشتن مناصب رسمی در حکومت های افغانستان، به تلاش های ادبی و فرهنگی خود ادامه داد و زمانی که رژیم سیاه طالبان در کابل استیلا پیدا کرد، او نیز همانند هزاران شهروند افغانستان راه مهاجرت در پیش گرفت و پشاور را به عنوان پناهگاه انتخاب کرد، چنانی که خودش نیز به این مورد اشاره داشته، حال و هوای غربت به دلنگی هایش افزود و نامه نوشتن را راهی برای رهایی از آن پیدا کرد.

آقای فخری مقدمه ای این مجموعه را با گفته ای از ویلیام فاکنر که گفته است: "گذشته هیچ گاه نمرده است، گذشته حتی اصلاً نگذشته است"، آغاز کرده و نوشته است: اواخر زمستان ۱۳۷۲ خورشیدی چاره ای نداشتیم جز گریختن و حرکت به سوی پشاور. تا چشم باز کردیم، تابستان رسید و گرفتار دوزخی که کم از صحرای محشر نبود. شب و روز خارش پشت و شانه و کمر و ارنج و تحقیر شحنه و فوج و مالک خانه. سودا و تشویش که چی کنیم و چه نکنیم و تا کی از کمر بخوریم و چطور خواهد شد...؟

آقای فخری در ادامه یادآور شده است: دیدم که این وضع قابل تحمل نیست و تا کی دست روی دست گذاشتن و چرت زدن. یا خور و خواب و سکون و خیال بافی. از بیکاری و تنگدستی و چه بگویم که به کلی حوصله ام را سر برده بود.

این وضعیت آقای فخری را به آن می دارد تا به گفته خودش، شغل شریف نامه نویسی را آغاز کند و به هر همدل و هم زبانی نامه می نویسد و پاسخ به دست می آورد تا این که نامه ها رفته رفته زیاد و این نامه ها پُر از بحث های مختلف و ظریف می شوند. او در این مدت، این نامه ها را حفظ می کند تا این که در آن روزها که رفتند به نشر می رسد.

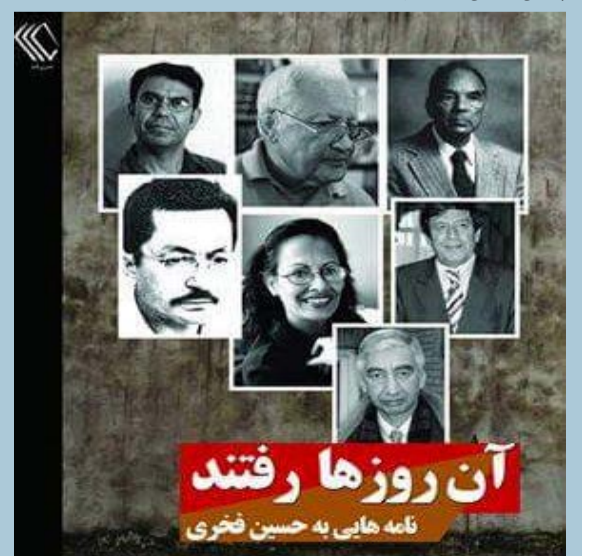
در این کتاب نامه هایی از علی رضوی، رهنورد زریاب، پویا فرایابی، ولی پرخاش احمدی، قدیر حبیب، نبی عظیمی، قادر مرادی، سید اسحاق شجاعی، سید میرزا حسین بلخی، گل احمد نظری، سید ابوطالب مظفری، علی پیام، مریم محبوب، جواد خاوری، عبدالله نایی، مجید روشن گر، تراب صورت گر و خیرخواه آمده اند.

بخشی های از این نامه ها در واقع، تصویرگر درد و رنج شهروندان افغانستان و به ویژه فرهنگیان این کشور در دیار غربت است که خواننده می یابد، این فرهنگیان با چه ناهنجاری های روزگار می گذرانند و تنها آرزوی شان این است تا دریچه ای گشوده شود و دوباره به وطن برگردند.

نویسنده گان این نامه ها، در کنار آگاه شدن از احوال خودی همدگر، به نکات فراوان تاریخی، سیاسی و فرهنگی نیز اشاره کرده و نکته های فراوانی را آفتابی کرده اند.

این کتاب دو صد برگی با عکس های از دست نوشت نامه ها به پایان رسیده است.

شاید رسم نامه نوشتن میان فرهنگیان زیادی وجود داشته، اما تنها آقای فخری دل نشر این نامه ها را داشته اند که "یاد باد آن روزگاران" نام مجموعه از نامه های استاد واصف باختری است که پیش از این به نشر رسیده است.



آن روزها رفتند

نامه هایی به حسین فخری